چگونه می خواهی با همسرت بمانی حال آنکه کنیز مذکور ادعا می کند هر دوی شما را شیر داده است؟!

از عقبه بن حارث رضی الله عنه روایت است که وی با ام یحیی دختر ابواهاب ازدواج کرد که کنیزی سیاه پوست آمد و مدعی شد: هر دوی شما را شیر داده ام؛ پس این مساله را با رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان گذاشتم که از من روی گرداند. دوباره به کناری رفتم و این مساله را با ایشان در میان گذاشتم که این بار فرمود: «كَيْفَ وَقَدْ زَعَمَتْ أَنْ قَدْ أَرْضَعَتْكُمَا؟!»: «چگونه می خواهی با همسرت بمانی حال آنکه کنیز مذکور ادعا می کند هر دوی شما را شیر داده است؟!».

[صحیح است] [به روایت بخاری]

عقبه بن حارث با ام یحیی دختر ابواهاب ازدواج می کند که کنیزی سیاه پوست آمده و به عقبه خبر می دهد او و همسرش را شیر داده و خواهر و برادر رضاعی هستند؛ بنابراین عقبه این مساله را با رسول الله صلی الله علیه وسلم مطرح می کند و ادعای کنیز مذکور را به ایشان انتقال داده و مدعی می شود که وی دروغ می گوید. لذا رسول الله صلی الله علیه سلم از باب انکارِ تمایلی که عقبه برای ماندن با ام یحیی دارد و با وجود شهادت کنیز مذکور، می فرماید: «چگونه می خواهی با وی بمانی، حال آنکه این زن چنین گفته است و به چیزی گواهی داده که می دانسته؟».

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/5861